

قیامت از نگاه امیرالمؤمنین(ع)

صاحب تفسیر مشکاة گفت: در فرازهایی از سخنان امیرالمؤمنین(ع) درباره قیامت، حضرت پس از بیان ماجراهای سهمگین آن روز و حالات عجیب انسان‌ها، به مراحل بعدی و پایان این مسیر اشاره می‌فرماید.



صاحب تفسیر مشکاة گفت: در فرازهایی از سخنان امیرالمؤمنین(ع) درباره قیامت، حضرت پس از بیان ماجراهای سهمگین آن روز و حالات عجیب انسان‌ها، به مراحل بعدی و پایان این مسیر اشاره می‌فرماید.

محمدعلی انصاری صاحب تفسیر مشکاة به گزارش یکنا از خراسان رضوی، محمدعلی انصاری، صاحب تفسیر مشکاة، در نشست‌ای که محتوای آن از کانال‌های مجازی منتسب به این مفسر قرآن کریم منتشر می‌شود، با موضوع «شمه ای از احوال انسان‌ها در قیامت به بیان امیرالمؤمنین(ع)» اظهار کرد: در فرازهایی از سخنان امیرالمؤمنین(ع) درباره قیامت، حضرت پس از بیان ماجراهای سهمگین آن روز و حالات عجیب انسان‌ها، به مراحل بعدی و پایان این مسیر اشاره می‌فرماید. نگاه انسان از دنیا بریده می‌شود و به سرانجام کار و بازگشت به سوی خدا می‌رسد. البته بحث برزخ نیز جایگاه ویژه ای دارد که امام در جای خود به آن پرداخته‌اند.

وی ادامه داد: امیرالمؤمنین(ع) می‌فرماید: «سِرَاعًا إِلَىٰ أَمْرِهِ»؛ یعنی انسان‌ها در قیامت شتابان به سوی فرمان خداوند می‌روند. «صراط» در اینجا مفهومی مادی ندارد، بلکه نشان دهنده سرعت و شتاب در جهت امر الهی است. در دنیا، انسان‌ها معمولاً چنین شتابی به سوی خداوند ندارند. پیامبران الهی با نهایت اخلاص و دلسوزی مردم را دعوت می‌کنند، چنان که قرآن می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَجِيبُوا لِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ إِذَا دَعَاكُمْ لِمَا يُحْيِيكُمْ»؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! دعوت خدا و رسول را اجابت کنید، آن گاه که شما را به چیزی می‌خوانند که زندگی حقیقی و حیات واقعی به شما می‌بخشد.

صاحب تفسیر مشکاة بیان کرد: این حیات حقیقی همان «حَيَاةٌ طَيِّبَةٌ» است؛ یعنی زندگی ای آگاهانه و معنا دار، همراه با فلسفه و هدف. زندگی ای که انسان را از زیستن صرفاً مادی و حیوانی جدا کرده و به حقیقت زندگی می‌رساند. اما بیشتر مردم در دنیا به کندی به سوی خدا می‌روند؛ گاه روی برمی‌گردانند، گاه قهر می‌کنند، گاه با بی میلی می‌آیند. تنها گروهی اندک اند که با اشتیاق و سرعت رو به سوی خدا می‌آورند؛ همانان که قرآن درباره شان می‌فرماید: «رَبَّنَا سَمِعْنَا مُنَادِيًا مُّتَدَايِمًا يُنَادِي لِلْإِيمَانِ».

انصاری افزود: در سوره مبارکه «فاطر» نیز آمده است: «ثُمَّ أَوْرَثْنَا الْكِتَابَ الَّذِينَ اصْطَفَيْنَا مِنْ عِبَادِنَا» که در آن، انسان‌ها به سه گروه تقسیم می‌شوند. اما حقیقت این است که در دنیا، انسان‌ها در مسیر امر خدا شتاب ندارند و مشتاق نیستند. واژه «عشق» که امروز معنایی زیبا و روحانی دارد، در قرآن به کار نرفته است. ریشه آن از «عَشَقَ» به معنای پیچک است؛ همان گیاهی که بر شاخه ای می‌پیچد. این واژه عربی است، نه فارسی. در صدر اسلام، به سبب سوء برداشت و استفاده نادرست، کمتر استعمال می‌شد. وقتی از «اسمعی» درباره عشق پرسیدند، گفت: «حرارت میان دو بدن»؛ یعنی آن را تنها امری جسمی می‌دانستند.

وی گفت: اما بعدها، این سوء برداشت کنار رفت و معنای والای عشق آشکار شد. در منابع حدیثی شیعه، از جمله در وسائل الشیعه، حدود سی وهشت مورد از مشتقات واژه عشق وجود دارد. از جمله، پیامبر اکرم(ص) فرمودند: «مَنْ عَشِقَ الْعِبَادَةَ وَعَانَقَهَا أَحَبَّهَ اللَّهُ»؛ کسی که عاشق عبادت باشد و آن را در آغوش گیرد، خداوند او را دوست می‌دارد.

صاحب تفسیر مشکاة افزود: در حدیث دیگری می‌فرماید: «قَدْ إِذَا أَحَبَّيْتُهُ كُنْتُ سَمْعَهُ الَّذِي يَسْمَعُ بِهِ، وَبَصَرَهُ الَّذِي يُبْصِرُ بِهِ»؛ خداوند گوش، چشم و زبان بنده اش می‌شود. این همان اوج عشق در بندگی است؛ جایی که انسان با همه وجود، گوش به فرمان خداست. در قیامت، همگان چنین حالتی دارند: «سِرَاعًا إِلَىٰ أَمْرِهِ»؛ یعنی شتابان به سوی فرمان خدا می‌روند.

انصاری بیان کرد: قرآن در سوره یس می‌فرماید: «قَدْ إِذَا هُمْ مِنَ الْأَجْدَاثِ إِلَىٰ رَبِّهِمْ يَنْسِلُونَ»؛ آنگاه ناگهان از قبرها بیرون می‌آیند و به سوی پروردگار خود می‌شتابند. تعبیر «يَنْسِلُونَ» نشان از حرکتی تند و آمیخته با اضطراب دارد؛ همانند حرکت گرگ که در هر گامی چشم و سرش ناآرام است. در قیامت نیز انسان‌ها با چنین حالت بیم زده و لرزان از گورها برمی‌خیزند، روح‌ها به بدن‌ها ملحق می‌شوند و فوج فوج به سوی پروردگار رهسپار می‌گردند.

وی ادامه داد: انسان‌ها گروه گروه محشور می‌شوند؛ ظالمان با ظالمان، صالحان با صالحان، رباخواران با رباخواران و... پیامبر(ص) فرمودند: امت من در قیامت به ده گروه تقسیم می‌شوند؛ برخی به شکل خوک، بعضی چون گرگ و گروهی با زبان‌هایی که از

پشت سر آویخته است. هر کدام تجسم اعمال دنیوی خود هستند.

صاحب تفسیر مشکاة اظهار کرد: امیرالمؤمنین(ع) می فرمایند: آنان «صُموت» محشور می شوند؛ یعنی در سکوت، اما نه از ناتوانی در سخن گفتن، بلکه از شدت تفکر و اندیشه. فرق میان «سکوت» و «صمت» همین است؛ سکوت، خاموشی بی فکر است، اما صمت، سکوتی آگاهانه و سرشار از اندیشه. چنان که حضرت درباره ابوذر فرمودند: «كَانَ أَكْثَرَ زَمَنِه صَامِتًا؛ بیشتر عمرش را در سکوتی اندیشمندانه می گذراند».

انصاری گفت: آری، در قیامت انسان ها فوج فوج، اما صامت و حیران محشور می شوند. همه قیام کرده اند، چنان که قرآن می فرماید: «يَوْمَ يَقُومُ النَّاسُ لِرَبِّ الْعَالَمِينَ؛ همگان در پیشگاه خداوند قیام می کنند. صفوفی منظم شکل می گیرد؛ هیچ کس توان حرکت یا تخلف ندارد». در آن روز، نظم و انضباط مطلق حاکم است؛ همانند صفوف نظامی یا آموزشی. قرآن می فرماید: «يُنَادِي الْمُتَنَادِي مِنْ مَّكَانٍ قَرِيبٍ؛ منادی الهی از جایگاهی نزدیک ندا سر می دهد و همه انسان ها صدای او را می شنوند و بر اساس فرمان خداوند عمل می کنند».